

متن پرسش

سلام علیکم: بنده قبلا سوالی را در سایت مشاهده کردم که کاربری در مورد جناب دکتر باقری از خدمت شما سوال کرده بودند و شما ایشان را در زمینه تربیت اسلامی مورد تایید قرار داده بودید. در حال حاضر با دیدگاه تعدادی از شاگردان ایشان آشنا شدم که نقطه نظرات خود را به مبانی آقای دکتر باقری مستند می کنند و حتی در قالب گروه های تربیتی در اصفهان، شروع به کار برای کودک و نوجوان نموده اند. متاسفانه با توجه به آشنایی ای که با مباحث حضرتعالی دارم، دیدگاه این دوستان بزرگوار را شدیداً مقهور تفکر نظام سلطه و غیرمنطبق بر معارف ناب شیعی دیدم. موردی را مصداقا خدمت حضرتعالی می فرستم و از محضرتان استدعا می کنم، اگر چه مقداری از وقت شما گرفته می شود اما چون این قضیه را فتنه ای جدید علی الخصوص در شهر فرهنگی اصفهان می دانم، نظر صریح خود را قاطعانه بفرمایید تا برای عده زیادی از خانواده ها خصوصا خانواده های مذهبی فصل الخطاب و روشنگر راه باشد. چندی پیش گروه تربیتی ساقه که منتسب به ایشان است، کتابهایی را برای معرفی و فروش به یک نمایشگاه کتاب کودکانه در یکی از مدارس ابتدایی آورده بودند که تقریباً صددرصد کتب، ترجمه شده و دارای نویسنده و تصویرگر خارجی بود. متاسفانه تصاویر این کتب، دارای صحنه های نامناسب من جمله بدن های نیمه عریان خانم ها و ... بود و در خوش بینانه ترین حالت تداعی کننده سبک زندگی غربی در ذهن کودکان بود. در متن داستان ها انواع مختلف کلمات زشت و رکیک به کار رفته بود و باز مملو از آداب و رفتارهای خاص غربیها و در خوش بینانه ترین حالت، ایجاد کننده اخلاق سکولار در بچه ها بود. برای مثال در یکی از این داستان ها که با هدف رفع خجالت در کودک نوشته شده بود از ابتدا تا انتها شخصیت اصلی داستان به رقص تشویق می شد تا بر حس کم رویی خود غلبه کند. بعد از اعتراض تعدادی از خانواده های مذهبی جوابیه جناب دکتر مدنی فر از تهران به دوستان اصفهانی این بوده است: [Forwarded from] محمدرضا مدنی فر] سلام: دغدغه های شما قابل تقدیر است. اما فکر می کنم در مفهوم تربیت تفاوت نظرهایی داریم. شما انسان را تا حدی شبیه دیگر موجودات عالم می بینید که معیار قضاوت در مورد خوبی یا بدی آنها وضعیت موجود آنها است نه چگونگی رسیدن به این وضعیت. بطور مثال عطری مه خوشبو است دیگر مهم نیست که چگونه و با چه فرایندی خوشبو شده مهم این است که بوی خوب می دهد. این در حالی است که برای آدمی مهم تر از این که چه هست این است که چگونه به این وضعیت رسیده؟ آگاهی و خواست و اراده او در رسیدن به این وضعیت چقدر دخیل بوده و خود این فرد چه نقشی در وضعیت خودش داشته است. (لیس للانسان الا ما سعی). آیا آنچه دارد ناشی از محیط است؟ آیا ورودی های او کنترل شده؟

انسان عامل است و بر خلاف دیگر اشیا باید وی را بر اساس عملی که انجام می دهد ارزش گذاری کرد. او ارزش ها و ضد ارزش ها را دریافت نمی کند بلکه "کسب" می کند (ما کانوا یکسبون)، "اتخاذ" (اتخذ الا ربه مابا) می کند. پس مهم تر از این که ورودی های انسان چه هستند این است که او در مقابل این ورودی ها چه واکنشی از خود نشان می دهد و چه مهارتی در حفظ خود دارد. کودکان هم از این قاعده کلی مستثنا نیستند فقط شدت موضوع متفاوت است و الا مسیر همان است. مهارت کسب از بیرون باید از همان ابتدا مورد توجه قرار گیرد. [Forwarded from محمدرضا مدنی فر] منکر اهمیت دادن به ورودی ها نیستیم. اما پرسش اصلی معطوف به میزان این توجه و نسبت آن با مهارت "کسب" از محیط است. خواه ناخواه وقتی به شکلی افراطی به کنترل ورودی ها توجه شود، سهم مهارت مواجهه با ورودی ها دچار تفریط می شود. من حساسیت هایی از نوع که مبدا ودک بفهمد که در جای دیگری از دنیا برای ابراز شادی و هیجان از رقص استفاده می شود را افراط در کنترل ورودی ها می دانم. خود رقص ذاتا ناپاک نیست بلکه در موقعیت های خاصی ناصواب است پس از آن جنس نیز که یک ورودی ذاتا آلوده محسوب شود. دوم این که در موقعیتی که در آن کتاب تصویر شده حرف از رقصیدن یک کودک بوده که اساسا در شرع حرام شمرده نشده. سوم این که کودک دبستانی قطعا با مفهوم رقص در گذشته آشنا شده و یا در آینده ای نزدیک مواجه می شود و والدین لازم است آن را برای او تبیین کنند. دقت کنید که آنچه در کتاب آمده چه بوده؟ به همین ترتیب در مورد واژه هایی مثل "خنک". واقعا ما چه تصویری از کودکان خود داریم؟ کودکان در جمع های خصوصی خود حرفهایی به مراتب بدتر را با هم مبادله می کنند. تحریم کردن کودک از بیان این حرف ها فقط او را پنهان کار تر و جسور تر می کند. کودک را کنجکاو تر و حریص تر می کند. کودک دیر یا زود احساس می کند که از همسالان خود بی اطلاع تر بوده و منزوی است. همین احساس کمبود او را بر این می دارد که بسیار زیرکانه اطلاعات خود را از منابع دیگر کسب کند و این خود شروع مشکلاتی دیگر است. اتفاقا در چنین مسائلی نباید سخت گیری کرد و کودک را ایزوله کرد. فرض کنیم حالا کودک از سر شیطنت چند حرف زشت هم بزند. چه اهمیتی در مقابل دیگر آسیب های بزرگی دارد که در کمین او است؟ توجه به امور جزئی و کم اهمیت توجه ما را از موضوعات مهم تر منحرف می کند. خطراتی به مراتب مهم تر در کمین کودکان ما است و انرژی تربیتی خود و کودک را نباید صرف امور پیش پا افتاده کرد. و در انتها کلیه صحبت‌هایشان را مستند به مبانی دکتر باقری نموده و کتاب «تربیت دینی در قرن ۲۱ ام» دکتر باقری را جهت مراجعه ارسال کرده اند که قسمتی از آن را در ایمیل بعدی خدمتتان ارسال می کنم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده با اولین کتاب ایشان که تحت عنوان «نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی» روبه‌رو شدم که مبتنی بر آیات و روایات بود؛ و بعد هم که در همان سال‌ها در چندین

جلسه‌ی مناظره‌ی تلویزیونی شرکت کردند، نقصی در سخنان ایشان ندیدم. یک‌سال پیش هم یک سخنرانی در کانال‌شان گوش دادم، چیز منفی به نظرم نیامد. ولی با توجه به آنچه می‌فرمایید بیشتر حساس می‌شوم و صحبت‌های ایشان را دنبال می‌کنم. اگر مطلبی و یا نوشته‌ای هست که در این امر به بنده کمک کند، متشکر می‌شوم. موفق باشید